

روایت ۲ امدادگراز حادثه فرودگاه فتح

# تراژدی بوئینگ وفادار در ویلا



درخواست کمک کردند. دقایقی بعد، امدادگران برای کمک به سرنشینان وارد هواپیما شدند، اما بالاشه هزاران گوسفند مواجه شدند که همه جا پراکنده شده بود. پس از مدتی جست و جو، جسد ۱۵ نفر از سرنشینان را از لایه لایه صندلی های هواپیما بیرون کشیدند. با انتشار خبر سقوط هواپیما، مسؤولان ارتش در توضیح این حادثه گفتند: این هواپیما برای طرح مردم یاری به بیشکک قزاقستان پرواز و پس از بارگیری ۴۰ تن لاشه گوسفند و چک نهایی به سمت ایران پرواز کرد، اما حوالی مقصد، اعلام وضع اضطراری کرد و هنگام فرود دچار حادثه شد که بر اثر این سانحه، ۱۵ نفر از سرنشینان به شهادت رسیدند و تنها یک سرنشین که مهندس پرواز هواپیما بود، از مرگ حتمی نجات پیدا کرد.

همه چیز برای فرود بوئینگ ۷۴۷ ارتش در فرودگاه نظامی فتح در ۱۵ کیلومتری کرج آماده بود و با حساب و کتاب خلبان فرود آرام و بدون مشکلی در انتظار او بود، اما ناگهان متوجه کوتاهی باند فرودگاه شد و تلاش کرد هواپیما را از روی باند بلند کند، اما دیگر دیر شده بود و هواپیما می غول پیکر ارتش ناگهان با دیواره بلند انتهای باند برخورد کرد و وارد دو ویلا پشت فرودگاه شهرک دشت ناز شد. پس از برخورد، بال و موتور هواپیما به گوشه ای پرتاب شد و نوک آن در داخل ویلا آرام گرفت. با آتش گرفتن هواپیما، چند مرد محلی خود را به سرعت به صحنه رساندند و سپس با تماس تلفنی از آتش نشانی و نیروهای امدادی

مجید غمخور

تیش

## صحنه های هولناک داخل هواپیما

و در زمان امداد رسانی و خروج اجساد، انفجاری رخ نداد.

### پیکرها سوخته بودند

این امدادگر ادامه داد: «بعد از خارج کردن چهار جسد قصد ادامه عملیات را داشتیم که مادر چند نفر از سرنشینان و همسر یکی دیگر از آنان که باردار بود به محل حادثه رسیدند. خیلی نگران بودند. وقتی به داخل کابین رفتیم، متوجه شدیم بیشتر پیکرها سوخته اند. یک زن را پیدا کردیم. مهندس پرواز روی صندلی نشسته بود و یک کاغذ در دست داشت. او هم یک پایش قطع شده بود. تمام اجساد را از قسمتی از هواپیما خارج کردیم که وارد ویلا شده بود. دماغه هواپیما با قسمتی از خانه برخورد کرده بود که آبگرم آنجا وجود داشت و همین آبگرمکن موجب انفجار و آتش سوزی در قسمت جلوی هواپیما شده بود.»

پس از خارج کردن تمام اجساد، به عقب هواپیما رفتیم و لاشه های گوسفندان را بیرون ریختیم. بیشتر لاشه گوسفند سوخته و جزغاله شده بودند و فقط تعداد کمی لاشه گوسفند سالم باقی مانده بود. حدود ساعت ۴ عصر عملیات تمام و دو روز بعد لاشه هواپیما از محل حادثه خارج شد.



به زودی بازنشسته شود.

دقایقی بعد مسؤولان ارتش آمدند و گفتند سوخت هواپیما تقریباً خالی شده و در این نوع هواپیما بوئینگ احتمال انفجار در موتور وجود دارد. چون موتور و قسمت عقب هواپیما کنده شده و روی خاک های انتهای باند افتاده بود، خطر زیادی برای جلوی هواپیما که اجساد آنجا بود و امدادگران در آن قسمت مشغول کار بودند، وجود نداشت

محمد آذر دار، امدادگر هلال احمر است که برای امداد رسانی به محل سانحه رفته بود: «وقتی به آنجا رفتیم، بررسی ها نشان داد خلبان برای فرود در فرودگاه فتح که یک مرکز آموزشی است، آماده شده بود که ناگهان متوجه کوتاهی باند شد. او برای اوج گیری و رفتن به فرودگاه پیام که در دو کیلومتری محل حادثه بود، اقدام کرد اما به تبه باند رسید و آن حادثه دردناک رخ داد. وقتی ما رسیدیم قسمت های مختلف هواپیما هنوز داشت می سوخت و آتش نشانیان زیاد داشت، ملارد و کرج مشغول مهار حریق بودند.

برای ورود به هواپیما که به علت برخورد با درختان و دیوار دوتکه شده بود، از انتهای هواپیما وارد شدیم، اما لاشه گوسفند ها مانع از آن بود که به سرنشینان هواپیما دست پیدا کنیم. این بار از سمت چپ و زیر دماغه هواپیما که وارد ویلا شده بود، اقدام کرده و بعد از دو ساعت وارد هواپیما شدیم. پس از جست و جو در داخل کابین چهار جسد سوخته پیدا و به بیرون منتقل کردیم. هنوز دقایقی از انتقال هواپیما نگذشته بود که فرزند خلبان پرواز به محل حادثه آمد. او مدعی بود پدرش خلبان جنگنده بود و از او خواسته بودند این ماموریت را انجام دهد و قرار بود پدرش



وقتی به داخل کابین

رفتیم، متوجه شدیم

بیشتر پیکرها

سوخته اند. یک زن را

پیدا کردیم. مهندس

پرواز روی صندلی

نشسته بود و یک کاغذ

در دست داشت. او هم

یک پایش قطع

شده بود.

